

«اتحاد و مبارزه» پیگیر بر علیه کارزار ایران تریبونال؟!

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

از روز ۱۸ ژوئن ۲۰۱۲، یعنی روزی که دادگاه ایران تریبونال اجلاس خود را در لندن آغاز کرد راه کارگر (کمیته اجرایی) جمعی که چندی پیش از سازمان راه کارگر جدا شده اند تاکنون بخش عمده مبارزه خود را علیه تریبونال اختصاص داده اند. جهت گیریشان این شده است که هر نوشته علیه تریبونال را در فیس بوک، سایت سازمان و جانی شان پخش می کنند. حتی دشمنی و خصومت علیه تریبونال به اتحاد و مبارزه مشترک و سه جانبه ای بین چریک های فدایی خلق (طرفدار رفیق اشرف دهقانی)، گروه توفان و راه کارگر (کمیته اجرایی) منجر شده است. اتحادی که تا ۱۸ ژوئیه در مورد آن، کسی نه چیزی شنیده و نه خوانده بود. اما اکنون کادرهای راه کارگر به ویژه رفقا احمد نوین و امیرجواهری هر نوشته ای که علیه تریبونال منتشر می شود بلافاصله از طریق امیل، فیس بوک و سایت هایشان آن را بازتکثیر می کنند.

در واقع یک بخش عمده مبارزه راه کارگر (کمیته اجرایی) در این مدت، علیه تریبونال بوده است. حتی سایت جانی شان، یعنی سایت «روشنگری»، حتی یک نمونه از مطلبی که من درباره تریبونال نوشته ام درج نکرده است در حالی که هر کسی در نوشته هایش به تریبونال حمله کرده و مشتکی تمهت و افترا به آن زده، بلافاصله درج نموده است. قبل از این واقعه، روشنگری همه مقالات مرا منتشر می کرد و اکنون هیچ مطلبی از من منتشر نمی کند در حالی که در برخی از این نوشته ها، شخصا به من نیز به دلیل این که از این تریبونال حمایت می کنم حمله شده است. این اقدام راه کارگر (کمیته اجرایی)، نحوه برخوردش به دیگران و نحوه نگرش به آزادی بیان را به نمایش می گذارد. البته من در مورد درج و عدم درج مطالب در سایت روشنگری و سایت های دیگر حرفی و انتقادی ندارم. اگر اسمی از روشنگری می برم به این دلیل است که نگرش و سیاست این سایت و سازمان شان را نشان دهم و از سویی رفقای که نوشته های مرا در روشنگری می خوانند بارها از من سؤال کرده اند که چه اتفاقی بین شما و مسئولین سایت روشنگری افتاده است که دیگر هیچ مطلبی از شما منتشر نمی کنند. جواب من به آن ها این بود که هیچ اتفاقی بین من و مسئولین سایت روشنگری نیفتاده و حتی جمله ای نیز بین ما رد و بدل نشده است.

تلاش های خصمانه علیه تریبونال به همین جا ختم نمی شود آن خانمی که به رییس اصلی بی بی سی نامه مخفی می نویسد و می خواهد با خودش و یک رفیق دیگرش درباره تریبونال گفتگو کنند و از رییس بی بی سی سؤال می کند که شما چرا این همه دادگاه تریبونال را انعکاس می دهید. سؤال این است که نامه نوع نامه نگاری به رییس بی بی سی بر علیه یک کمپین سیاسی و اجتماعی، تلاشی برای برقراری رابطه مخفی با یک رادیو امپریالیستی نیست؟ یا تریبونال که به طور علنی از همه رسانه های فارسی زبان و غیرفارسی زبان دعوت کرده بود که در دادگاه ایران تریبونال شرکت کنند امپریالیستی می شود؟ و یا از همین نوع نامه ها به برخی وکلای تریبونال نیز فرستاده اند. سؤال این است که آیا این نوع خصومت و دشمنی با تریبونال به نفع چه کسی و جریانی غیر از حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی تمام می شود؟! شکی نیست که همگان آزادند تریبونال و نظر و سیاست های هر جریان و فرد دیگری را مورد نقد قرار دهند اما تهمت و افترا زدن کار زشت و ناروایی است.

چه سری است که راه کارگر (کمیته اجرایی) و متحدینش به این شکل زشت و زننده ای به ایران تریبونال برخورد می کنند؟ چرا محکومیت جمهوری اسلامی در یک دادگاه بی طرف و مردمی این چنین این ها را ناراحت کرده است که از عنوان هایی هم چون تریبونال کارگر کش امپریالیست گرفته تا این که این تریبونال زمینه های حمله به ایران را فراهم می کند و غیره استفاده می کنند بلافاصله آذین بند سایت ها و فیس بوک های راه کارگر می گردد؟ متأسفانه سازمانی که به شناخته ترین رفیق دیروزی خود، یعنی رفیق «حسن حسام» در روز روشن پرونده سازی می کند روشن است که با دیگران چه رفتاری در پیش می گیرد. (مطلب رفیق حسن حسام را می توایند در ضمیمه همین مطالعه کنید و قضاوت نمایید)

خود این برخورد راه کارگر (کمیته اجرایی) با رفیق حسن حسام، به سادگی نشان می دهد که مشکل اصلی مخالفین تریبونال از یک سو با رفقای سابق شان است و از سوی دیگر، فکر می کنند از قافله عقب مانده اند.

در دهه شصت به ویژه تابستان سال ۱۳۶۷، حکومت اسلامی هزاران زندانی سیاسی را که دوران زندان و محکومیت خود را می گذراندند با وحشی گری هرچه تمام تر در آمفی تئاترها و سالن های نمازخانه های زندان ها به دار آویخت و یا تیرباران کرد. قبل از آن نیز دادگاه های صحرایی خلخالی هزاران نفر را اعدام کرده بودند. در این کشتارهای وحشیانه نه دادگاهی در کار بود و نه وکیل مدافع و نه زندانی حق دفاع از خود را داشت. تنها، یک کمیسیون مرگ، با در دست داشتن حکم قتل زندانیان سیاسی از سوی خمینی، با چند پرسش کوتاه و پاسخ هایی، حکم مرگ صادر می کرد. بسیاری

از این زندانیان، پیش از آن، به دادگاه رفته و حکم های زندان گرفته بودند و برخی از آنان حتی دوران محکومیت خود را گذرانده بودند اعدام شدند.

آمار دقیق جانباخته گان این کشتار همگانی روشن نیست. حکومت اسلامی تاکنون از دادن هرگونه اطلاعات در باره این کشتارها و مکان گورهای دسته جمعی جان باخته گان این بیداد عظیم خوداری کرده است. اما، تاکنون نام پنج هزار نفر از این جان باخته گان، به وسیله خانواده ها، احزاب، سازمان های سیاسی و نهادهای حقوق بشری روشن شده است. گورستان خاوران در جنوب تهران، یکی از گورهای شناخته شده ای است که بازماندگان و خانواده های زندانیان سیاسی از آن اطلاع یافته اند. خانواده های جان باخته گان و مردان داغ دیده هر سال در دهم شهریور ماه به یاد و در گرامی - داشت عزیزان خود در آن گرد هم می آیند.

کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷، اوج و حشی گری و آدم کشی حکومت اسلامی بود. از جمله می توان از کشتارها و اعدام های سال های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۳ نام برد که در این مدت بیش از ۲۰۰۰۰ تن ناپدید شدند و یا زیر شکنجه و یا تیرباران و دار زده شدند.

در تمام این سال حکومت اسلامی سعی کرده است بر این جنایات خود پرده بکشد و یا در جامعه فراموش گردد. اما گروهی از خانواده های این جان باخته گان، بخشی از زندانیان سیاسی جان بدر برده از کشتارهای دهه شصت، فعالان سیاسی، فعالان کارگری و دانشجویی، مبارزان برابری طلب حقوق زنان و فعالان عرصه هنر، ادبیات، حقوق کودکان و دیگر زمینه های مبارزاتی، با تلاش های پیگیر خود نگذاشتند حکومت اسلامی به اهداف خود برسد. تا این که پنج سال پیش، اواخر شهریور ۱۳۸۶ برابر با سپتامبر ۲۰۰۷، جمعی از اعضای خانواده های جان سپردگان دهه شصت و جان بدر بردگان از کشتار زندانیان سیاسی در این دهه، که در اردویی تابستانی در یکی از جزایر اطراف شهر استکهلم شرکت بوده بودند، کارزاری را برای رسیدگی به کشتار زندانیان سیاسی در دهه شصت، با یاری و همراهی فعالان عرصه های سیاسی و اجتماعی آغاز کردند.

فعالین این کارزار، بعد از یک سال بحث و بررسی و تحقیق در زمینه دادگاه های غیردولتی و...، نام «ایران تریبونال» را از میان اسامی پیشنهادی، انتخاب کرد و دهه شصت به عنوان خونین ترین دهه در دوران حکومت جمهوری اسلامی، به دهه خونین نام گذاری شد.

تریبونال ایران، برای پیش برد این کمپین مردمی، بیش از هر چیز دیگری، از یک سو برای جمع آوری کمک های مالی به جامعه مراجعه کردند. و در این راستا، اشکال مختلفی را از گرفتن وام از بانک ها گرفته تا جمع آوری کمک مالی در مناطق ایرانی نشین شهرهای اروپایی و برگزاری مراسم هایی با هدف جمع آوری کمک به کار گرفتند. از سوی دیگر، به یک تیم حقوقی متشکل از حقوقدانان مجرب و آشنا به حقوق بین الملل نیاز داشتند به دنبال آن رفتند. گروه کار بین الملل، در سپتامبر ۲۰۱۰ موفق شد تیم حقوقی بین المللی کارزار ایران تریبونال را با شرکت پانزده حقوقدان ایرانی و حقوقدان سرشناس جهانی از کشورهای افریقای جنوبی، بلژیک، آلمان، کانادا، آمریکا و انگلیس سازماندهی و یک کنفرانس (تلفنی) بین المللی با حضور دوازده تن از آن ها اول اکتبر ۲۰۱۰ برگزار کند. پیش از آن نیز، در یازده فوریه ۲۰۱۰، کنفرانسی برای تدوین پیش نویس روند و مراحل دادرسی برگزار شده بود. پیش نویس به فاصله یک ماه بعد از چند دور بحث و گفتگوی کارشناسانه آماده و برای تصویب در اختیار کارزار قرار گرفت. مجمع عمومی کارزار آن را به عنوان اولین سند حقوقی ایران تریبونال که برای نخستین بار در تاریخ، موازین یک دادگاه مردمی را متناسب با کشتار زندانیان سیاسی در ایران ترسیم می کند، به تصویب رساند و آن را در سایت خود منتشر کرد.

کمیته راهبردی از پنج فوریه ۲۰۱۱ تا سه هفته پیش از برگزاری مرحله نخست دادگاه در لندن بتاريخ ۱۸ تا ۲۲ ژوئن ۲۰۱۱، سند حقوقی کارزار را بازنگری کرد، نحوه برگزاری دادگاه را مورد بحث و بررسی قرار داد و به خواست مجمع عمومی کارزار، به ویژه خانواده ها، سندی منتشر کرد که براساس آن دادگاه در دو مرحله برگزار شود. دو مرحله ای شدن دادگاه، این فرصت را ایجاد می کرد شمار بیش تری از خانواده ها و جان بدر بردگان از کشتارهای دهه شصت شهادت دهند. کادر اسمال، که تجربه کمیسیون حقیقت یاب آفریقای جنوبی را در کارنامه خود داشت، معتقد بود ایران تریبونال باید، به رغم این که جنایتی که جمهوری اسلامی در دهه شصت در زندان ها مرتکب شده، کاملاً روشن است و نیازی به حقیقت یابی ندارد، با این حال ایران تریبونال برای محاکمه مردمی جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت، لازم است به اسناد حقیقی و حقوقی که خود تولید می کند، تکیه کند. از این رو، وی پیشنهاد کرد، مرحله نخست دادگاه به «حقیقت یابی» اختصاص یابد. پیشنهاد وی با استقبال برگزارکنندگان و تمامی اعضای کمیته راهبری قرار گرفت و دو مرحله شدن دادگاه به تصویب کمیته راهبردی و مجمع عمومی کارزار رسید. بنا بر طرح پیشنهادی، قرار شد، در مرحله اول دادگاه، کمیسیون حقیقت یاب برگزار شود و در مرحله دوم براساس گزارش و اسنادی که

کمیسیون منتشر می کند، جمهوری اسلامی محاکمه شود. در مرحله دوم، هجده تا بیست شاهد با ترکیب متفاوت شهادت خواهند داد.

کمیته راهبردی، نحوه و زمان و مدت برگزاری هر دو مرحله دادگاه را با توجه به امکانات کارزار در هماهنگی و مشورت با سایر بخش های کارزار مورد بررسی و تصویب قرار داد و قرار شد با توجه به امکانات و منابع محدود کارزار ایران تریبونال، به ویژه به لحاظ مالی، کمیسیون حقیقت یاب به مدت پنج روز در لندن برگزار شود. در این پنج روز، هشتاد تن از اعضای خانواده ها و جان بدربرندگان از کشتارهای دهه شصت، فرصت می یابند به نمایندگی از هزاران خانواده و هزاران زندانی سیاسی آن دهه، شهادت دهند. قرار شد، مرحله دوم به مدت سه روز از ۲۵ تا ۲۷ اکتبر ۲۰۱۲ در یکی از شهرهای لاهه یا استکهلم برگزار شود. این دو شهر، به ویژه لاهه، که به شهر دادگاه ها در جهان شهرت دارد و استکهلم محل برگزاری مرحله دوم دادگاه راسل بوده است، به لحاظ تبلیغی به موفقیت ایران تریبونال کمک خواهند کرد. در مسیر اقدام برای یافتن ساختمان مناسبی برای مرحله دوم دادگاه، گذر کارزار و فعالان آن به لاهه رسید.

مجموعه ای از گروه ها و شبکه های کاری توسط فعالان کارزار، که عموماً از اعضای خانواده ها و جان بدربرندگان هستند، به صورت جمعی و فردی در شهرها و کشورهای مختلف ایجاد شد. این مجموعه، فعالیت های دامنه داری را در زمینه های تبلیغی، اجرائی و جمع آوری کمک های مالی مردمی به اجرا در آورده است. به این مجموعه، باید هیئت هماهنگی و گروه سخن گوین کارزار، که تعداد آن ها در دوره های مختلف با افزایش و کاهش فعالان کارزار و گروه های کشوری کار کارزار تغییر می کند، گروه کار تبلیغات سراسری، گروه کار مالی سراسری و گروه مدیا را اضافه کرد.

در برگزاری دادگاه ایران تریبونال، تمامی فعالیت ها داوطلبانه انجام گرفته و همه به طور مستقیم در تصمیم گیری ها و پیش برد کارها شرکت داشته اند. در واقع این نوع سازماندهی مردمی، بدون سانسور الیزم با سیاست و مرزهای مشخص، یک کمپین دمکراتیک مردمی، با دخالت مستقیم زخم خوردگان حکومت اسلامی و بدون اتکا اقتصادی و سیاسی و قضایی به احزاب، سازمان های بین المللی رسمی و دولت ها در راستای محاکمه جمهوری اسلامی است. کارزار ایران تریبونال، از روزی که اقدام به جمع آوری کمک مالی مردمی برای تامین هزینه های دادگاه کرد، کمک های مالی را در پایان هر ماه در وب سایت خود، منتشر نموده است.

نهایتاً مرحله نخست دادگاه رسیدگی به کشتار زندانیان سیاسی در دهه ۶۰، به مدت پنج روز، از ۱۸ ژوئن تا ۲۲ ژوئن ۲۰۱۲ در مرکز اقدام حقوق بشر سازمان عفو بین الملل در لندن با موفقیت چشم گیری برگزار شده بود و انعکاس وسیعی در نزد افکار عمومی جامعه ایران و جهان داشت. در این مرحله از دادگاه، قضات تحقیق عضو کمیسیون حقیقت یاب، متشکل از شش حقوقدان و شخصیت برجسته و مترقی جهانی، ۷۵ تن از اعضای خانواده های جان سپردگان دهه شصت و جان بدر بردگان از اعدام ها دسته جمعی و کشتار زندانیان سیاسی در این دهه را، به دادگاه فراخواندند و از آنان تحقیق به عمل آوردند. شاهدان، از چهل شهر و استان ایران و از میان همه گرایش های سیاسی انتخاب شده بودند که حکومت جمهوری اسلامی، عزیزان شان را در دهه شصت اعدام و یا زندانی و شکنجه کرد.

مرحله دوم دادگاه ایران تریبونال، به مدت سه روز از ۲۵ تا ۲۷ اکتبر ۲۰۱۲ در سالن آکادمیک حقوق ساختمان صلح دادگاه لاهه برگزار شد. دادگاه، ساعت یک بعد از ظهر روز شنبه ۲۷ اکتبر ۲۰۱۲ به کار خود پایان داد و قضات برای رای و صدور حکم مقدماتی وارد شور شدند. تا این که دادگاه، ساعت چهار و نیم بعد از ظهر کار خود را از سر گرفت. قاضی یوهان کریگلر رییس دادگاه، حکم مقدماتی محکومیت جمهوری اسلامی را که در پنج صفحه تدوین شده است، قرائت کرد و به این وسیله، دادگاه در یک حکم مقدماتی بر طبق موازین حقوقی بین المللی، جمهوری اسلامی ایران را به قتل و کشتار و شکنجه و تجاوز برنامه ریزی شده در دهه شصت متهم کرد و آن را به جرم جنایت علیه بشریت محکوم کرد. دادگاه حکم نهایی خود را به فاصله دو تا سه ماه صادر خواهد. این یک دستاورد بزرگ سیاسی، اجتماعی و قضایی برای مردم آزاده، خبری خوش برای همه خانواده های داغ دیده، برای همه نیروهایی که در جهت سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی با هدف برقراری یک جامعه آزاد و برابر و انسانی بدون خشونت و بدون زندان سیاسی و شکنجه و اعدام و سانسور و بدون نابرابری و فقر مبارزه می کنند، است.

به این ترتیب، از ویژگی های مهم دادگاه مردمی ایران تریبونال، علنی بودن و مردمی بودن آن است. این دادگاه به روی همه رسانه ها باز بود. نهایتاً محاکمه و محکومیت جمهوری اسلامی ایران در دادگاه لاهه، یک دستاورد مهمی برای مردم آزادی خواه و عدالت جوی ایران و برای همه مخالفین جمهوری اسلامی است. دادگاهی که مستقل است و هیچ رابطه سیاسی و مالی با هیچ حزب، سازمان، نهاد و دولتی ندارد و تنها با اتکا به حمایت مردمی، این موفقیت بزرگ را کسب کرده است.

هر انسان علاقه مندی می تواند به سایت دادگاه دهه خونین مراجعه کند و از اول تا آخر اسناد و گزارشات مالی، سیاسی و قضایی آن را مطالعه کند و به قضاوت عادلانه بنشیند.

به این ترتیب، فعالیت ایران تریبونال، به شکل قبلی پایان یافته و بی شک فعالین آن، این کمپین را به اشکال دیگری ادامه خواهند داد. ترجمه اسناد تریبونال به زبان های مختلف و رساندن آن ها به دست تشکل های دمکراتیک کارگران، زنان، دانش جویان، سازمان ها و احزاب و نهادهای بین المللی و هم چنین ادامه جمع آوری اسناد از خانواده های جان باخته گان، نیازمند یک شبکه بزرگ بین المللی است. و یا این که تلاش برای برپایی دیوارهای یادبود در شهرهای مختلف اروپایی صورت گیرد و...

پنج شنبه هجدهم آبان ۱۳۹۱ - هشتم نوامبر ۲۰۱۲

ضمیمه:

حسن حسام

به کجا می رویم؟

برمتن سند سازی سایت زیر مجموعه ی هیئت اجرایی راه کارگر

من در تاریخ بیست و دوم سپتامبر در شب یادمان قتل عام شدگان دهه شصت در استکهلم، شرکت کردم و سخن گفتم. و در پایان گفتارم اشاره داشتم ام به زلالی یعنی شفافیت اقدامات و منابع مالی ایران تریبونال و نقد تهمت زنان و منتقدانی که مرغشان هم چنان یک پا دارد! (برای آشنایی با گفتار من می توانید به لینک شماره یک رجوع کنید) در تاریخ شش اکتبر سایت خبری جنبش خرداد وابسته به منشعبین از سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) که با نام «هیئت اجرایی راه کارگر» فعالیت می کنند، مطلبی منتشر کرده است، زیر عنوان «در حاشیه سخنرانی حسن حسام در استکهلم».

در این حاشیه نویسی به خاطر همکاری آقای پیام اخوان و یکی دو نومحافظه کار، نه تنها بر وابستگی ایران تریبونال به امپریالیسم جهانی و... پا فشاری شده، که برای من هم پرونده سازی شده است! هرچند من به صراحت تاکید می کنم که سازمان دهندگان و خود پروژه «ایران تریبونال» را تایید و از آن حمایت می کنم؛ اما بحث تفصیلی مربوط به آن را به وقت دیگری واگذار می کنم. بحثی که وجوهی مختلف دارد و چند و چون آن باید با مسئولیت بررسی شود. در این جا اما وجه دیگر عملکرد منشعبین ما مورد بحث است: «پرونده سازی زدا نفی». پرونده سازی علیه من و همان طور که قلمزن مذکور آورده است «هم فکرا نم» یعنی رفقای تا دیروز خود «هیئت اجرایی راه کارگر». کسانی که با هم «راه کارگر» را بنا نهادند، بالنده اش کردند و برای پیش برد آرمان های شریفش تا پای جان مایه گذاشته و می گذارند! در این جا لازم است تاکید کنم که اولاً، حتی اگر سند سازی و مسائل بعد آن که در زیر خواهد آمد هم نبود، خود نوشته به اندازه کافی حیرت آور و مشمئزکننده است. ثانیاً، اگر قلمزن نوشته «در حاشیه سخنرانی حسن حسام...» مدعی شود که نوشته، حسن حسام را هدف قرار نداده و یا او را در شمار کسانی که بوی کباب شنیده اند قرار نداده است، الصاق عکس مربوط به نشست برگزار شده در پارلمان فرانسه به مطلب مذکور، حتی بدون اسناد دیگر کافی ست تا این مدعا بی پایه شود.

اما روند و جهت گیری این پرونده سازی و سند سازی:

در ابتدا مطلب «در حاشیه سخنرانی حسن حسام...» همزمان در پیشانی سایت «هیئت اجرایی» و «سایت خبری راه کارگر» مربوط به هیئت اجرایی انعکاس یافت. چند ساعت بعد در همان سایت ها عکسی از یک نشست (که من در آن دیده می شوم) در کنار مطلب مذکور زیر عنوان (برگزاری سمینار بین المللی در باره ایران در پارلمان فرانسه) به نوشته اضافه شد، و سرانجام آرایش مطلب در هر سه سایت «هیئت اجرایی راه کارگر» به صورت زیر «تحول!!!» پیدا کرده است:

پایین مطلب «در حاشیه...» زیر عنوان «فاکت ها از «زلالی» سخن می گویند»، مطالب زیر را اضافه کرده اند:

- گزارش العربیه به تاریخ چهارده سپتامبر ۲۰۱۲

- تکذیب و اصلاح خیرآشفته العربیه توسط رفیق هدایت سلطان زاده -

- مصاحبه دبیر اول حزب دموکرات کردستان ایران در تاریخ پنجم آوریل ۲۰۱۲

- سه اظهار نظر متفاوت توسط فردی بنام سیروس ضیا (لینک شماره دو) -

یک یا دو روز بعد، مطلب از ستون اصلی سایت هیئت اجرایی راه کارگر برداشته شده و در ستون «گزیده مقالات» رسیده از دیگر رسانه ها» منتقل شده است. و همزمان کلیه این «اسناد» به سایت ها و وبلاگ ها و فیسبوک ها ارسال شده است.

هیئت اجرایی راه کارگر که پشت سایت دست ساز خودش پنهان و آشکار شده، چکیده حرفش این است که «دفاع» حسن حسام از ایران تریبونال به خاطر این است که وی: بوی کباب شنیده، پشت توده های کار و زحمت را خالی کرده، قدرت و امکانات عظیم مالی امپریالیستی به وسوسه اش انداخته و زانوان او را سست کرده است و دارد درکنار کسانی که خواهان ایجاد منطقه پرواز ممنوع در کردستان اند، در کنگره آمریکا و پارلمان فرانسه عرض حال می نویسد!!! اسناد مورد ادعای «هیئت اجرایی» راه کارگر یعنی هم تشکیلاتی های سابق من، هم همین چیزهایی هست که روایت کردم و لینک آن ها را برای آن دسته از خوانندگانی که آن را ندیده اند در این جا ضمیمه می کنم.

قبل از اظهار نظر در باره این اتهامات، ببینیم مواد اولیه این پرونده سازی ها چه بوده است. الف: من نه تنها در هیچ جلسه ی کنگره آمریکا شرکت نکرده ام، حتی هیچ رسانه آمریکایی هم با من گفتگو نکرده است! هر چند گفتگو با رسانه های امپریالیستی را - اگر بدون تزلزل از مواضع انقلابی مان حرکت کنیم و تنها و تنها امر انقلاب و منافع طبقه کارگر و سایر زحمتکشان را در نظر داشته باشیم - سازش با امپریالیسم و تسلیم طلبی نمی دانم. ب: راه کارگر مدت ها پیش از انشعاب «هیئت اجرایی» از ما، بعد از «تعلیق» مناسبات رسمی با حزب دموکرات کردستان ایران بخاطر تریک دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران به انتخاب جورج دابلیو بوش؛ همواره در سالگردهای ترور دکتر قاسملو و دکتر شرفکندی در پرلانشز حاضر می شد و می شود و در اعتراض به تروریسم دولتی جمهوری اسلامی بر مزار مقتولین گل می گذاشت و می گذارد. این امر نه تنها مورد اعتراض تشکیلات - چه قبل از انشعاب و چه بعد از انشعاب - قرار نمی گرفت که بر عکس یک سنت تایید شده بوده و هست و ربطی به مناسبات رسمی سیاسی ما با حزب دموکرات نداشته و ندارد. (متن دعوت نامه اخیر در پایان مطلب آمده است. شماره چهار) ج: همین طور که در لینک پیوست (لینک شماره سه) ملاحظه می شود من و «هم فکرانم» در نشستی تحت عنوان «جامعه امروز ایران و مسئله خلق های غیرفارسی» از طرف حزب دموکرات و انستیتو کرد به مناسبت «بیستمین سالگرد ترور زنده یاد دکتر سعید شرفکندی و یارانش» دعوت شده بودیم، نه «سمینار بین المللی در باره ایران در پارلمان فرانسه» و نه بر اساس داعیه کاملاً ساختگی العربیه، حول موضوع «ایران در بستر قیام های بهار عربی» و «مسأله ملیت های ایرانی»!

اما در این نشست ما در بخش دوم سالن، قسمت خروجی نشسته بودیم! و محل سالن هم نه سالن های اصلی پارلمان فرانسه، که در طبقه سوم زیرزمین بود که معمولاً در اختیار جریان های جهان سومی قرار می گیرد. و برای آن که خیال متظاهران به پوشیدن دستکش «سفید» راحت شود، آب و دانه ای هم در کار نبود! در این نشست همه مدعوین شونده بودند هر چند، چند نفری هم در پاسخ و پرسش شرکت کردند. جو شونستی حاکم بر سخنان برخی از سخنرانان البته فضا را برای من و «همفکرانم» سنگین کرده بود. پس معلوم می شود که حسن و حسین هر دو برادران مغاوبه نیستند!!! د: مضحک ترین بخش این «سند سازی» چسباندن ترجمه مصاحبه دبیر اول حزب دموکرات کردستان ایران پنج ماه قبل از برگزاری کنفرانس یاد شده است؛ بدون این که کوچک ترین ربطی به گفتار من در استکهلم و یا شرکت من در سمینار مذکور داشته باشد!

و سرانجام این که، اگر سند سازی های ناشی از بی اخلاقی محض نبود، شخصاً اهمیتی به حاشیه نویس گفتارم در سایت زیر مجموعه ی «هیئت اجرایی راه کارگر» نمی دادم. وقتی خود هیئت اجرائی منشعب از ما، در اعلامیه رسمی شان مربوط به ایران تریبونال، کمیته مرکزی راه کارگر را با بی اخلاقی تمام و به ناروا موافق تحریم های امپریالیستی، مدافع جنگ و همدست امپریالیست ها معرفی می کند؛ از حاشیه نویس هیئت اجرایی راه کارگر چه انتظاری باید داشت؟ تنها نکته تازه ای که هیئت اجرایی راه کارگر از زبان حاشیه نویس اش بیان داشته همانا تاکید بر توبه کاری و توابیت و ندامت است!!!

حاشیه نویس هیئت اجرایی راه کارگر ناصحانه به من می گوید «کسانی مثل حسام که عمری را در راه مبارزه برای آزادی، عدالت و سوسیالیسم سپری کرده اند، هنوز فرصت آن را دارند تا خطا های فاحش خود را جبران کرده و شجاعانه در صف مبارزان سوسیالیسم و آزادی قرار داشته باشند. به امید آن روز» یعنی اسناد افشاگرانه منتشر شده در سایت جنبش خرداد، سایت زیر مجموعه ی هیئت اجرایی راه کارگر، همدستی مرا با امپریالیسم و پشت کردن مرا به سوسیالیسم اعلام و سپس راه توبه و توابیت و ندامت را به من نشان می دهد!!! آیا به این می گویند راه حل کمونیستی یا راه حل رژیم جمهوری اسلامی!!!

البته برای من و همه آن ها که زندگی ام را دنبال کرده اند، این اتهامات چنان نازل و غیر جدی است مانند آن است که آشفته حالی بیاید، روز روشن را شام تیره بنامد! امروزه کسی برای این فحش نامه ها پیشیزی ارزش قائل نیست. همین طور مرا با رجاله های سیاسی، پادوهای معطوف به قدرت و شاگردان سخت کوش مکتب « بریا » ها و « ژدا نف » ها کاری نیست. اما وقتی که دوست خنجر از پشت می زند و برای در هم شکستن و خراب کردن رفیق چهل ساله خود با بی انصافی و بی اخلاقی تمام شیوه « برنامه هویت » سازان وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی را گزین می کند؛ زخم، کاری می شود! و هر اسم از فردایی است که قدرت، انسانیت انسان آرمان خواه را به نابودی بکشاند!

رفقای هنوز هم گرامی در سازمان هیئت اجرائی راه کارگر!

با این شیوه های ویرانگر و تقلید از شیوه پرونده سازی ارتجاع حاکم و سلف آن، با خراب کردن رفقای تا دیروز متحد خود، نمی توان علیه تجاوز امپریالیستی نیرو بسیج کرد. نمی توان علیه ارتجاع داخلی و خارجی جنگید. نمی توان اکثریت اهالی، اکثریت اردوی کار و زحمت را از انسانیت عمیق سوسیالیستی مطمئن کرد، نمی توان برای استقرار سوسیالیسم از همین امروز مبارزه کرد. آری رفقا با این شیوه ها اومانسیم مارکسیستی را نه تنها نمی توان به جهان اثبات کرد، که نمی توان عاشق بود و برای دنیایی بهتر، دنیایی دیگر و دنیایی انسانی تر جنگید. صد سید سخن در سینه دارم پر از درد اما، فعلا همان به که لب فرو بندم و خاموشی برگزینم.

حسن حسام

پاریس، ۱۴ اکتبر ۲۰۱۲

یک <http://www.rahekaregar.com/maghalat/2012/09/30/hassan.htm>

دو <http://www.rahekargar.net/browsf.php?cId=1063&Id=448&pgn=>

سه <http://rahekargar.wordpress.com/2012/09/21/99793/>

چهار - دعوت نامه حزب دموکرات ایران :

کاک حسن عزیز

با عرض سلام و ارادت

روز جمعه ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۲ از ساعت ۱۴ تا ۱۹ بعد از ظهر کنفرانسی تحت عنوان: «جامعه‌ی امروز ایران و مسئله‌ی خلقهای غیر فارس»، با همکاری انستیتو کرد در گرامیداشت بیستمین سالیاد زنده یاد دکتر شرفکندی و یارانش در یکی از تالارهای پارلمان فرانسه برگزار میگردد.

محل برگزاری کنفرانس:

Salle Victor Hugo

rue de l'Université, ۱۰۱

Paris ۷۵۰۰۷

Métro : Ligne 13, station : Invalides

ورود به سالن کنفرانس از ساعت ۱۳/۳۰ شروع خواهد شد.

در ضمن، روز یکشنبه ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۲ مراسمی در قبرستان پرلاشز خواهیم داشت. ساعت ۱۳/۴۵ در جلو درب اصلی پرلاشز واقع در بولوار منیلمونتان Boulevard Menilmontant گرد آمده و در ساعت ۱۴ بطرف آرامگاه شهدا حرکت خواهیم کرد.

قربانت،

خسرو عبداللهی